

## تحلیل فرایندهای آوایی گویش گیلکی بر مبنای اطلس زبانی

علی رضا قلی فامیان<sup>۱</sup>

وحید بصیرت<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۱۰

تاریخ تصویب: ۹۱/۱۲/۱۷



### چکیده

در این پژوهش، می‌کوشیم ضمن تهیه اطلس زبانی استان گیلان به سه پرسش عمده پاسخ دهیم: (۱) در سطح استان گیلان و در محدوده گویش گیلکی، چه فرایندهای آوایی رخ می‌دهد؟ (۲) آیا تقسیم‌بندی سنتی گیلکی به گونه‌های بیه پس در مناطق غربی استان و بیه پیش در نواحی شرقی استان، مبنایی آوایی دارد؟ (۳) آیا وقوع فرایندهای آوایی در شهرستان‌های مرکزی استان با شهرستان‌های غیر مرکزی از الگویی متفاوت تبعیت می‌کند؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها ۱۰۰ واژه از مقولات واژگانی مختلف مانند اسم، فعل، صفت، ضمیر و غیره انتخاب شد و تلفظ اهل زبان از طریق ضبط

<sup>۱</sup> استادیار، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام‌نور؛ famian@pnush.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر؛ vahid.basirat1974@gmail.com

صدا و مصاحبه گردآوری شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد ۱۸ نوع فرایند آوایی در سطح استان گیلان و در محدوده گویش گیلکی دیده می‌شود که از این میان، مرکزی‌شدگی، افراشتگی، حذف و سایشی‌شدگی به ترتیب پربسامدترین فرایندهای آوایی استان هستند. در خصوص پرسش دوم پژوهش مشخص شد که میان تنوعات آوایی و متغیر جغرافیایی همبستگی وجود دارد و بنابراین تقسیم‌بندی گیلکی به دو ناحیه بیه‌پس و بیه‌پیش منطبق و توجیه آوایی دارد. هم‌چنین، مشاهده شد که در شهرستان‌های غیر مرکزی استان و در رأس آن رودسر در مجاورت استان مازندران، بسامد فرایندهای آوایی بیشتر از شهرستان‌های مرکزی استان است و به این ترتیب پاسخ پرسش سوم تحقیق مثبت است.

## واژه‌های کلیدی: گیلکی، فرایند آوایی، مرکزی‌شدگی، افراشتگی، حذف، سایشی‌شدگی

### ۱. مقدمه

امروزه عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مختلفی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا زبان‌ها و گویش‌های محلی به تدریج میدان را به نفع زبان‌های رسمی ترک کنند. یکی از این گویش‌ها که در معرض زوال و نابودی قرار دارد، گویش گیلکی در شمال ایران است که به دلایل مختلف به ویژه مهاجرت ساکنان بومی به سایر نقاط و نیز سفر و مهاجرت غیربومی‌ها به این استان، با سرعتی زیاد رو به زوال می‌رود. همین خطر زوال باعث شده است گروهی از محققان و زبان‌پژوهان به گردآوری داده‌های گویش گیلکی روی بیاورند و مرعشی (۱۳۸۲) یکی از این آثار به شمار می‌آید. نگارندگان این نوشتار، با توجه به وضعیت حساس گیلکی کوشیده‌اند برای این گویش، اطلسی در مقیاسی نسبتاً محدود (۱۰۰ واژه) طراحی کنند و به بررسی سه سؤال بنیادی پردازند. سؤال نخست این که چه فرایندهای آوایی‌ای در سطح استان گیلان و در محدوده گویش گیلکی رخ می‌دهد و

میزان بسامد آن‌ها چیست؟ پرسش دوم ریشه در باوری عمومی دارد که براساس آن برخی محققان، گویش گیلکی را به دو گروه بیه‌پس<sup>۱</sup> رایج در شهرستان‌های غربی استان (رشت، فومن، صومعه‌سرا و انزلی)، و بیه‌پیش<sup>۲</sup> رایج در شهرستان‌های شرقی (آستانه، لاهیجان، لنگرود و رودسر) تقسیم‌بندی می‌کنند. چنان‌که تقسیم‌بندی مورد نظر مبنای علمی و واقعی داشته باشد، می‌توان پیش‌بینی کرد که دو گونه غربی و شرقی از جنبه‌های مختلف و از جمله تنوعات آوایی متفاوتند. نگارندگان می‌کوشند براساس تحلیل تنوعات آوایی در سطح استان و ترسیم اطلس زبانی، صحت تقسیم‌بندی فوق را ارزیابی کنند و به این ترتیب، پرسش دوم این‌گونه مطرح می‌شود که آیا میان بسامد فرایندهای آوایی و متغیر جغرافیایی همبستگی وجود دارد؟ براساس پرسش سوم آیا وقوع فرایندهای آوایی در شهرستان‌های مرکزی استان با شهرستان‌های غیرمرکزی از الگویی یکسان تبعیت می‌کند؟

## ۲. استان گیلان

استان گیلان با مساحت ۱۴ هزار و ۷۰۰ کیلومتر مربع، بیست و هشتمین استان از نظر مساحت در کل کشور به شمار می‌آید. این استان در ۳۶ درجه و ۳۴ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۵۳ دقیقه تا ۵۰ درجه ۳۴ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار قرار گرفته است. در ازای آن، از شمال باختری به جنوب خاوری، ۲۳۵ کیلومتر و پهنای آن، از ۲۵ تا ۱۰۵ کیلومتر تغییر می‌کند. رشته کوه‌های البرز با ارتفاع متوسط ۳۰۰۰ متر، همانند دیواری در باختر و جنوب گیلان کشیده شده و این منطقه جز از راه دره منجیل، راه شوسه دیگری به فلات ایران ندارد. کمترین فاصله کوه از دریای خزر (در حویق) نزدیک به ۳ کیلومتر و بیشترین فاصله آن از دریا (در امامزاده هاشم) حدود ۵۰ کیلومتر است.

این استان شمالی کشور شامل ۱۶ شهرستان است و با جمعیتی بالغ بر ۲ میلیون و ۳۹۲ هزار و ۲۲۹ نفر جمعیت، از شمال به دریای خزر و کشور آذربایجان، از شرق به مازندران، از جنوب به استان زنجان و قزوین، و از غرب نیز با استان اردبیل هم‌جوار است. رود سفید تمشک که بین چابکسر و رامسر جاری است، آن را از استان مازندران جدا می‌کند. این

<sup>۱</sup> biyə pæs

<sup>۲</sup> biyə piš

استان، به وسیله سفیدرود، به دو منطقه بیه پیش و بیه پس یا رودپس و رودپیش تقسیم می شود و لاهیجان و رشت، در طول زمان، پایتخت آن دو قسمت بوده است.

### ۳. اطلس زبانی

اطلس زبانی یا گویشی، یک کتاب نقشه است که اطلاعاتی زبانی را از یک منطقه زبانی نمایش می دهد. به بیان دیگر، اطلس زبانی مجموعه ای از نقشه های چاپی یا دیجیتال است که هر کدام از آنها، اطلاعات مربوط به یک یا چند موضوع زبانی، مانند شیوه تلفظ، یا اطلاعات معناشناسی یا حتی نحوی را در سطح یک مکان جغرافیایی مشخص به نمایش می گذارد. در بعضی مواقع، این انگیزه براساس سئوالات استنباطی پژوهشگر میدانی است. به عنوان مثال، امکان دارد از اهل زبان پرسیده شود «به جایی که گاو در آن نگهداری می شود چه می گویند؟» و سپس مجموعه داده ها از روی نوار مغناطیسی روی کاغذ یا فیش های تحقیق پیاده شود و مجموعه ای از داده ها فراهم شود. در مرحله بعد، نیز اطلاعات زبانی روی نقشه جغرافیایی کشور، استان، شهر یا روستای مورد مطالعه درج شود و به این ترتیب اطلس زبانی مکان جغرافیایی مورد نظر تهیه گردد. در ادامه با سه طرح تحقیقاتی در حوزه اطلس زبانی آشنا می شویم.

#### ۳.۱. اطلس زبانی ایالات متحده آمریکا

نخستین اطلس زبانی توسط کوراث<sup>۱</sup> برای انگلیسی آمریکایی تدوین شد. در طرح پژوهشی مورد نظر، تنوعات تلفظی ساکنان شهرهای شمالی کشور آمریکا، ضبط و گردآوری شد و به طور دقیق روی نقشه ثبت گردید (کوراث، ۱۹۴۹).

#### ۳.۲. اطلس زبانی تایوان

برور<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) گزارشی است از تهیه اطلس زبانی کشور تایوان که در آن، تنوعات زبانی تحت تأثیر عواملی مانند سن، جنسیت، قومیت، تحصیلات، شغل و سابقه اقامت در قالب ۹۰

<sup>۱</sup> Kurath

<sup>۲</sup> Brewer

نقشه ارائه شده است. اطلس مذکور شامل ۱۴۰۰ نمونه از گفتار اهل زبان تایوان است که روی نوار ضبط صوت یا لوح فشرده ثبت شده است.

### ۳.۳. اطلس زبانی استان آذربایجان شرقی

رضاقلی فامیان (۱۳۸۹) مطالعه‌ای است که به تنوعات آوایی در ایران و استان آذربایجان شرقی اختصاص دارد. در این مطالعه، محقق ابتدا ۱۰۰ واژه نمونه را انتخاب کرده و پس از شرحی مختصر در خصوص زبان ترکی آذری و نظام آوایی آن، به تهیه ۱۰۰ نقشه پرداخته است. یافته‌های این طرح پژوهشی نشان می‌دهد که بین فرایندهای آوایی و مناطق جغرافیایی استان همبستگی وجود دارد. برای مثال، تضعیف، به‌عنوان پربسامدترین فرایند در استان، به‌طور عمده در جنوب غرب استان متمرکز است. از سوی دیگر مشخص شد که شهرستان شبستر، کانون فرایند آوایی پسین‌شدگی است.

### ۴. فرایندهای آوایی

آواها، در زنجیره گفتار، بر یکدیگر تأثیر می‌گذرانند و کشف نوع و بسامد فرایندهای آوایی موجود در یک زبان یا گویش بخشی از اهداف گویش‌شناسی و واج‌شناسی را تشکیل می‌دهد. در ادامه به‌طور گذرا با انواع فرایندهای آوایی مشاهده‌شده در گویش گیلکی آشنا می‌شویم.

### ۴.۱. همگونی<sup>۱</sup>:

در همگونی، یک واحد واجی، در یک یا چند مشخصه شبیه واحد واجی دیگر می‌شود (کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۱۶۷)؛ مانند واژه «شنبه» در فارسی و «دکمه» در گیلکی:

/ʃænbə/ → /ʃæmbə/

/puluk/ → /pulæk/

<sup>1</sup> assimilation

#### ۴. ۲. افراشتگی<sup>۱</sup>:

هرگاه یک واژه افتاده به واژه میانی یا افراشته تبدیل شود، فرایند افراشتگی رخ داده است. مثال زیر افراشتگی را در معادل گیلکی واژه «گلابی» نشان می‌دهد.

/xoj/ → /xuj/

#### ۴. ۳. افتادگی<sup>۲</sup>:

تبدیل یک واژه افراشته به واژه افتان را اصطلاحاً افتادگی می‌گویند. تبدیل واژه هجای اول در کلمه «لیمو» نمونه‌ای از افتادگی در گویش گیلکی است.

/limu:/ → /læmbu:/

#### ۴. ۴. پیشین‌شدگی<sup>۳</sup>:

تبدیل یک واژه پسین به پیشین را پیشین‌شدگی گویند؛ مانند تبدیل واژه a به æ در هجای آغازین دو واژه «گوجه‌فرنگی» و «توفان»:

/pamədor/ → /pæmədor/

/tofan/ → /tifun/

#### ۴. ۵. پسین‌شدگی<sup>۴</sup>:

در فرایند آوایی پسین‌شدگی، یک واژه پیشین به واژه پسین تبدیل می‌شود؛ مانند تحول آوایی در کلمه «خواهر»:

/xahær/ → /xaxor/

#### ۴. ۶. قلب<sup>۵</sup>:

گاهی ممکن است دو واج اعم از نزدیک یا دور از هم، در یک واژه جای خود را با هم عوض کنند. این جابه‌جایی دو واج در یک واژه را قلب گویند که خود بر دو نوع است:

<sup>1</sup> raising

<sup>2</sup> lowering

<sup>3</sup> fronting

<sup>4</sup> backing

<sup>5</sup> metathesis

قلب دور و قلب نزدیک. قلب نزدیک، موقعی است که دو واج جابه‌جاشونده در کنار هم قرار گرفته باشند، مانند جابه‌جایی در دو واژه «عروسک» و «کمر بند»:

/ærosæk/ → /æroskæ/

/qeyš/ → /qyeš/

قلب دور، آن است که میان دو واج جابه‌جاشونده، فاصله باشد؛ مانند معادل واژه «اشک» در گیلکی:

/ærsu/ → /æstəru/

#### ۴.۷. تضعیف<sup>۱</sup>:

هرگونه فرایند و تبدیل آوا در جهت چپ به راست در عبارت زیر را نمونه‌ای از تضعیف یا نرم‌سازی می‌دانند:

(۱) صفر > نیم‌واکه > سایشی > انسدادی

(۲) واک‌دار > بی‌واک

(لس<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸: ۱۷۷)

برای مثال واک‌رفتگی در تلفظ گیلکی واژه «سگ» نمونه‌ای از تضعیف به شمار می‌آید:

/sæg/ → /sæk/

#### ۴.۸. سخت‌شدگی<sup>۳</sup>:

فرایند معکوس تضعیف، سخت‌شدگی نام دارد. این فرایند همانند تضعیف متداول نیست.

تلفظ گیلکی واژه «کلاغ» نمونه‌ای از سخت‌شدگی محسوب می‌شود:

/kælaq/ → /kælač/

<sup>1</sup> weakening

<sup>2</sup> Lass

<sup>3</sup> fortition

#### ۹.۴. سایشی شدگی<sup>۱</sup>:

هرگاه در فرایندی همخوان غیرسایشی به سایشی تبدیل گردد، به اصطلاح در آن سایشی شدگی رخ داده است. این فرایند در واقع نوع خاصی از فرایند تضعیف محسوب می‌گردد. در تلفظ گیلکی واژه «برف»، شاهد فرایند سایشی شدگی هستیم:

/bærf/ → /værf/

#### ۱۰.۴. حذف<sup>۲</sup>:

در این فرایند، واج و گاه هجا از بافت صوتی یک واژه حذف می‌شود؛ مانند حذف در کلمات «به» و «هندوانه»:

/beh/ → /be/

/həndevanə/ → /hindonə/

#### ۱۱.۴. درج<sup>۳</sup>:

طی فرایند درج یا اضافه، یک واحد صوتی به بافت آوایی یک واژه یا واحدهای دیگر اضافه می‌شود. رایج‌ترین این نوع فرایند را افزایش صامت‌های میانجی می‌توان ذکر کرد که به دلیل التقای واژه‌ها رخ می‌دهد؛ مانند درج همخوان خیشومی [n] در واژه «تگرگ»:

/tægær/ → /tængær/

#### ۱۲.۴. خنثی شدگی<sup>۴</sup>:

در صورت آوایی برخی از واژه‌ها، مشاهده می‌شود که تمایز واجی دو صدا از بین رفته است و دو آوا آزادانه بدون تغییر معنای کلمه به جای یکدیگر به کار می‌روند. خنثی شدگی در مورد دو صدای /x/ و /h/ در موارد بسیاری اتفاق می‌افتد؛ مانند تلفظ واژه «خنک» در گیلکی:

/xonæk/ → /honæk/

<sup>1</sup> spirantization

<sup>2</sup> deletion

<sup>3</sup> insertion

<sup>4</sup> neutralization



#### ۴. ۱۳. مرکزی‌شدگی<sup>۱</sup>:

به فرایند حرکت واکه غیر مرکزی به سمت واکه مرکزی، مرکزی‌شدگی گویند؛ مانند هجای آخر واژه «شکوفه» در گویش گیلکی:

/titi/ → /titə/

#### ۴. ۱۴. واکه‌داری<sup>۲</sup>:

فرایند واکه‌داری نوعی تضعیف به شمار می‌آید که در آن همخوانی بی‌واکه، تبدیل به همخوان واکه‌دار می‌شود؛ مانند واکه‌داری در واژه «مرغ»:

/kærk/ → /kærg/

#### ۴. ۱۵. غلتان‌شدگی<sup>۳</sup>:

در این فرایند، همخوان غیر غلتان به همخوان‌های غلتان y یا w تبدیل می‌شود. گاه در تلفظ گیلکی واژه «به» شاهد غلتان‌شدگی هستیم:

/beh/ → /bey/

#### ۴. ۱۶. واکه‌رفتگی<sup>۴</sup>:

واکه‌رفتگی، فرایندی رایج در زبان‌های جهان است؛ مانند واکه‌رفتگی در دو واژه «سگ» و «زرد» در گیلکی:

/sæg/ → /sæk/

/zærd/ → /zært/

#### ۴. ۱۷. ر-شدگی<sup>۵</sup>:

در فرایند ر-شدگی، شاهد تبدیل یک آوا به همخوان زنشی [r] هستیم. ر-شدگی، در واژه گیلکی «گنجشک» دیده می‌شود:

/čičini/ → /čiri/

<sup>1</sup> centralization

<sup>3</sup> voicing

<sup>3</sup> glide formation

<sup>4</sup> devoicing

<sup>5</sup> rhotacism

#### ۴. ۱۸. دندانی شدگی<sup>۱</sup>:

تبدیل واج غیردندانی به دندانی را دندانی شدگی می‌نامند. تبدیل همخوان خیشومی [m] به [n] در واژه «مار» مثالی از دندانی شدگی به شمار می‌آید.  
/milom/ → /milon/

#### ۴. ۱۹. ل- شدگی<sup>۲</sup>:

تراسک تبدیل هر آوای غیرکناری به همخوان کناری /l/ را ل- شدگی می‌نامد (تراسک<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۶۳). در معادل واژه «مورچه» شاهد فرایند ل- شدگی هستیم:  
/pitar/ → /pital/

### ۵. اطلس زبانی گویش گیلکی

پس از مرور مطالعات پیشین در زمینه اطلس‌های زبانی و معرفی مختصر فرایندهای آوایی، تدوین اطلس زبانی استان گیلان را آغاز می‌کنیم. به این منظور ۱۰۰ واژه را به‌عنوان مبنای تحقیق خود در نظر می‌گیریم.

#### ۵. ۱. گردآوری داده‌ها

انتخاب ۱۰۰ واژه به گونه‌ای بوده است که حتی المقدور تمام اجزای کلام اصلی مانند اسم، فعل، صفت، قید و ضمیر را پوشش دهد. به‌لحاظ معنایی نیز می‌توان انواع طبقه‌بندی‌های معنایی مانند میوه (ازگیل)، روابط خویشاوندی (برادر)، رنگ (واژه‌ها (قرمز)، اشیا (عروسک)، اعضای بدن (چشم)، حیوانات (ماهی) را مشاهده کرد. فهرست الفبایی ۱۰۰ واژه مورد بررسی این تحقیق در ضمیمه مقاله آمده است.

<sup>1</sup> dentalization

<sup>2</sup> lambdacism

<sup>3</sup> Trask

## ۲.۵. تهیه نقشه‌ها

ابتدا نقشه استان گیلان را از اینترنت دانلود کرده و ۱۸ ناحیه را در آن شماره گذاری کردیم. برای هر واژه، یک نقشه مستقل، در نظر گرفته شده و اطلاعات مربوط به تنوعات و فرایندهای آوایی، زیر هر نقشه ذکر شده است. در زیر، نقشه مربوط به اسم «لیمو» درج شده است.



شکل ۱: نقشه واژه لیمو در اطلس گویش گیلکی

### • لیمو

در شهرستان‌های لاهیجان، آستانه اشرفیه، املش، لنگرود، صومعه‌سرا و بخش گیلکی فومن شاهد فرایند افتادگی (تبدیل  $i$  به  $\text{æ}$ ) هستیم. در سیاهکل نیز فرایند مرکزی شدگی روی می‌دهد.

## ۶. یافته‌های پژوهش

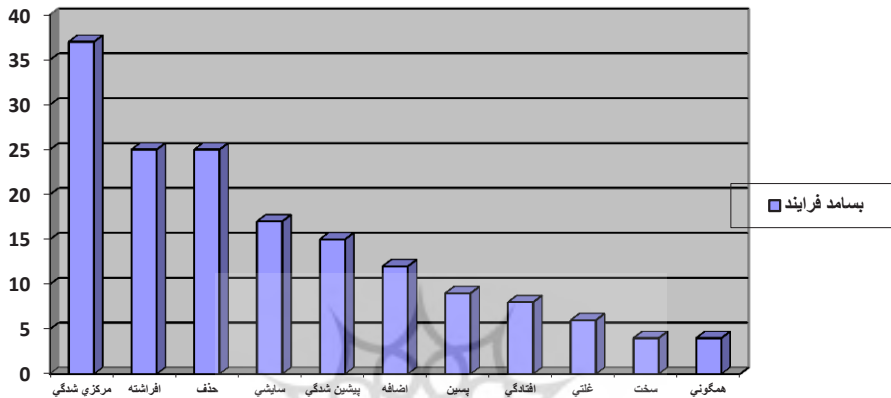
پس از جمع‌آوری داده‌ها، فرایندهای آوایی رایج در گیلکی شناسایی و شمارش شد. از آنجا که تمرکز این پژوهش بر روی گیلکی است، فرایندهای انجام گرفته در ترکی آستارا و نیز تالشی مد نظر قرار نمی‌گیرد. در شهرستان‌های شفت و فومن گویش به دو زبان گیلکی و تالشی می‌باشد که فقط گیلکی مورد بررسی قرار می‌گیرد. جدول زیر، بسامد فرایندهای آوایی گیلکی و بسامد وقوع آنها را نشان می‌دهد.

جدول ۱: نوع و بسامد فرایندهای آوایی گیلکی

تعداد	نوع فرایند	تعداد	نوع فرایند	تعداد
۴	همگونی واکه‌ای	۱۱	مرکزی شدگی	۳۷
۳	قلب	۱۲	افراستگی	۲۵
۲	واک‌رفتگی	۱۳	حذف	۲۵
۱	دندانی شدگی	۱۴	سایشی شدگی	۱۷
۱	ل-شدگی	۱۵	پیشین شدگی	۱۵
۱	واکداری	۱۶	اضافه	۱۲
۱	کامی شدگی	۱۷	پسین شدگی	۹
۱	ر-شدگی	۱۸	افتادگی	۸
۱۲	بدون تنوع	۱۹	غلطان شدگی	۶
		۴	سخت شدگی	

ردیف ۱۹ جدول بالا نشان می‌دهد که ۱۲ کلمه از ۱۰۰ واژه مورد مطالعه این پژوهش، فاقد تنوع آوایی بوده‌اند. همان‌طور که می‌بینیم در پیکره این تحقیق، ۱۸ نوع فرایند آوایی در گیلکی رخ می‌دهد. مجموع بسامد وقوع فرایندهای فوق، ۱۷۱ مورد است؛ به بیان دیگر، ۱۷۲ مورد فرایند آوایی در این ۱۰۰ کلمه دیده شده است. علت بیشتر بودن این عدد از تعداد کلماتی که دچار فرایند شده‌اند (در ۸۸ کلمه فرایند آوایی رخ داده است) این است که گاه در یک کلمه دو فرایند آوایی رخ داده یا یک کلمه در نقاط مختلف استان

تحت تأثیر بیش از یک فرایند بوده است. با توجه به وجود ۱۸ نوع<sup>۱</sup> فرایند آوایی و ۱۷۲ مورد<sup>۲</sup>، به این نتیجه می‌رسیم که در گیلکی تنوعات آوایی گسترده‌ای وجود دارد و به این ترتیب پاسخ پرسش اول پژوهش مثبت است.



شکل ۲: نمودار بسامد فرایندهای آوایی گیلکی

مطابق با نمودار بالا، مرکزى شدگى، افراشته‌گى، حذف و سایشى شدگى، پربسامدترین فرایندها هستند و دندانى شدگى، ل-شدگى، واك‌دارى و كامى شدگى و ر-شدگى، هر کدام با يك مورد وقوع، كم بسامدترین فرایندها محسوب می‌شوند. برای پاسخ به پرسش دوم پژوهش، باید نوع و بسامد فرایندهای آوایی را از منظر منطقه جغرافیایی استان گیلان بررسی کنیم. مناسب‌ترین راهکار تهیه جدولی است که بسامد وقوع هر فرایند را در تک‌تک شهرستان‌های استان نشان دهد.

<sup>1</sup> type  
<sup>2</sup> token

جدول ۲: همبستگی فرایند-شهرستان

دودبار	۱۱	۶	۱۰	۳	۱	۲	۲
رضوانشهر	۷	۹	۹	۷	۴	۵	۵
صومعه سرا	۱۰	۹	۸	۹	۲	۶	۵
فومن	۷	۹	۸	۷	۴	۵	۳
شفت	۶	۹	۸	۸	۳	۴	۱
انزلی	۷	۷	۹	۵	۳	۶	۲
رشت	۴	۹	۹	۶	۵	۵	۴
سیاهکل	۶	۱۶	۱۱	۶	۳	۲	۲
آستانه اشرفیه	۷	۱۹	۱۲	۷	۳	۱	۳
لاهیجان	۸	۱۹	۱۲	۷	۳	۲	۲
نگرود	۸	۱۶	۱۳	۶	۴	۲	۲
املش	۶	۱۸	۱۳	۶	۳	۲	۳
رودسر	۷	۱۷	۱۳	۷	۵	۲	۲
مرکزی شدگی		افزایشگی	حذف	سایشی شدگی	پیشین شدگی	درج	افزادگی
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	



رودبار	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۵
رضوانشهر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۶
صومعه سرا	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۷
فومن	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۱۸
شفق	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	جمع کل
انزلی	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۴۹
رشت	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۵۶
سیاهکل	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۵۸
آستانه اشرفیه	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۶۶
لاهیجان	۱	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۶۶
لنگرود	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۶۷
املش	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۶۶
رودسر	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	۶۷
ل- شدگی	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	جمع کل						
واکداری											
دندانی شدگی											
کامی شدگی											

همان‌طور که می‌بینیم، از میان چهار فرایند پرسامد گیلکی، پراکندگی وقوع فرایندهای مرکزی شدگی و سایشی شدگی در کل استان کم‌ویش مشابه است. این در حالی است که در فرایندهای افراشتگی و حذف، شاهد نوعی همبستگی با موقعیت جغرافیایی هستیم زیرا بسامد وقوع این دو فرایند، در شهرستان‌های شرقی این استان (رودسر، املش، لنگرود، لاهیجان و آستانه اشرفیه) به مراتب بیش از شهرستان‌های غرب استان است.

در پاسخ به پرسش سوم، باید گفت وقوع فرایندهای آوایی در شهرستان‌های مرکزی استان با شهرستان‌های غیرمرکزی از الگویی متفاوت تبعیت می‌کند. همان‌طور که می‌دانیم یکی از دلایل اصلی تغییر و تحول در الگوی آوایی یا واژگانی و حتی نحوی زبان، تماس



با زبان‌ها یا گویش‌های دیگر است. مطالعات نشان می‌دهد که اگر زبان یا گویشی را در مرزهای جغرافیایی آن مد نظر قرار دهیم، در مناطق جغرافیایی مرکزی، زبان یا گویش مورد بررسی کمتر تحت تأثیر نظام‌های زبانی همسایه قرار می‌گیرد و معمولاً میزان تنوعات و تحولات در مناطق و شهرستان‌های غیر مرکزی بیشتر است.

با دقت در اطلاعات آماری جدول فرایند شهرستان فوق مشاهده می‌کنیم که رودسر با ۶۷ مورد فرایند آوایی رتبه اول را به لحاظ میزان بسامد فرایندها به خود اختصاص داده است. نکته قابل تأمل این است که رودسر در منتهی‌الیه استان گیلان و در همسایگی استان مازندران قرار دارد و بنابراین پاسخ پرسش سوم نیز مثبت است.

## ۷. نتیجه‌گیری

همان‌طور که دیدیم چهار فرایند آوایی مرکزی شدگی، افراشتگی، حذف و سایشی شدگی به ترتیب پربسامدترین فرایندهای آوایی در گیلکی هستند. با توجه به این که دو فرایند مرکزی شدگی و افراشتگی به واکه‌ها اختصاص دارند، می‌توان نتیجه گرفت که نظام واکه‌ای در گیلکی بسیار ناپایدار است و تغییر و تنوع در آن بسیار گسترده است.

بر اساس داده‌های جدول ۲ که بسامد فرایندهای آوایی را به تفکیک در شهرستان‌های استان گیلان نشان می‌دهد، شاهد نوعی تفاوت معنی‌دار میان نقاط غربی و شرقی استان هستیم. چنان‌که ملاحظه شد چهار فرایند مرکزی شدگی، افراشتگی، حذف و سایشی شدگی پربسامدترین فرایندها هستند و از این میان، دو فرایند افراشتگی و حذف در شهرستان‌های شرقی استان به‌طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر است. در بسامد سایر فرایندها نیز تفاوتی کم‌وبیش قابل ملاحظه مشاهده می‌شود. برای مثال، وقوع فرایندهای حذف، کامی-شدگی، و سخت‌شدگی در نواحی شرقی بیشتر است و فرایند درج نیز در نواحی غربی بیشتر رخ می‌دهد. در مجموع مشاهدات نشان می‌دهد تقسیم‌بندی سنتی استان موسوم به بیه‌پیش و بیه‌پس معیار آوایی دارد. جدول زیر، تمرکز فرایندهای آوایی در این دو ناحیه را خلاصه‌وار نشان می‌دهد.

### جدول ۳. تمرکز فرایندهای آوایی در بیه پیش و بیه پس

بیه پیش (نواحی شرقی استان)	بیه پس (نواحی غربی استان)
افراشتگی حذف کامی شدگی سخت شدگی	درج

### ضمیمه: فهرست واژگان اطلس زبانی گیلکی

واژه	واژه	واژه	واژه	واژه	واژه	واژه	واژه
۱	آبی	۲۶	تمشک	۵۱	زیر	۷۶	کلاغ
۲	آفتاب	۲۷	تو	۵۲	سفید	۷۷	کمر بند
۳	آمدم	۲۸	تیز	۵۳	سگ	۷۸	کند
۴	آمرود	۲۹	جنگل	۵۴	سیاه	۷۹	کوچک
۵	آن	۳۰	جوجه	۵۵	شاخه	۸۰	گره
۶	آنجا	۳۱	چشم	۵۶	شالیزار	۸۱	گردو
۷	آنها	۳۲	خروس	۵۷	شب	۸۲	گرسنه
۸	اشک	۳۳	خوابیدم	۵۸	شستم	۸۳	گرفتم
۹	الان	۳۴	خواهر	۵۹	شکوفه	۸۴	گفتم
۱۰	از گیل	۳۵	خوردم	۶۰	شما	۸۵	گنجشک
۱۱	اینجا	۳۶	خوشه	۶۱	شنا	۸۶	گوجه فرنگی
۱۲	باران	۳۷	دادم	۶۲	صبح	۸۷	لب
۱۳	بالا	۳۸	دانستم	۶۳	صبحانه	۸۸	لیمو
۱۴	برادر	۳۹	دختر	۶۴	صورت	۸۹	ماه
۱۵	برداشتم	۴۰	درخت	۶۵	طناب	۹۰	مادر
۱۶	برف	۴۱	دگمه	۶۶	توفان	۹۱	مار
۱۷	بزرگ	۴۲	دهان	۶۷	عروسک	۹۲	ماهی

واژه	واژه	واژه	واژه	واژه	واژه	واژه
ماهی تابه	۹۳	علف	۶۸	ذرت	۴۳	به
مرغ	۹۴	عنکبوت	۶۹	رسیدم	۴۴	پدر
مورچه	۹۵	فضول	۷۰	رودخانه	۴۵	پسر
مه	۹۶	قormز	۷۱	ریختم	۴۶	پیشانی
نردبان	۹۷	قورباغه	۷۲	زالو	۴۷	تاب
نشستم	۹۸	قوری	۷۳	زدم	۴۸	تشک
نوزاد	۹۹	کتی	۷۴	زرد	۴۹	تشنه
هندوانه	۱۰۰	کفش	۷۵	زنبیل	۵۰	تگرگ

## منابع

- پرچمی، محب‌اله (۱۳۷۵). ۱۰۰۰ ترانه گیل، تهران. تهران: موسسه فرهنگی عابدزاده.
- رضا قلی فامیان، علی (۱۳۸۹). تهیه اطلس زبان ترکی آذری در استان آذربایجان شرقی بر مبنای ۱۰۰ واژه نمونه. طرح پژوهشی. دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی.
- کامبوزیا، عالیه ک. ز (۱۳۸۵). واج شناسی: رویکردهای قاعده‌مند. تهران: سمت.
- مرعشی، احمد (۱۳۸۲). واژه‌نامه گویش گیلکی. رشت: طاعتی.
- Brewer, W (2008). *Mapping Taiwanese*. Institute of Linguistics. Taipei. Taiwan: Academia Sinica.
- Kurath, H (1949). *A Word Geography of the Eastern United States*. Ann Arbor: University of Michigan Press.
- Lass, F (1998). *Phonology*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Trask, R (2003). *Historical linguistics*. London: Arnold.